

گفت وگو با مهدی رضوی، عکاس و متخصص چاپ درباره چاپ عکس و اهمیت شیوه ارائه آن

چاپ از حلقه‌های مهم اتصال عکاسی به اقتصاد هنر است

ایران است. جواز بین المللی متنوعی از کشورهای مختلف مانند اکراین، ایتالیا، انگلستان، چین، ایالات متحده، مالزی، اتریش و ژاپن گرفته. در طول هفت سال (از ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶) هفت نمایشگاه انفرادی در شهرهای مشهد و تهران برگزار و در چندین نمایشگاه گروهی هم شرکت کرده‌است. کتاب‌هایی منتشر کرده‌است و تجربه‌هایی هم در نمایشگاه‌گردانی دارد. او از مسیر عکاسی وارد حرفه چاپ عکس شد، چون به گفته خودش احساس می‌کرد زحمتی که عکاس کشیده در مرحله چاپ از بین می‌رود و خروجی نهایی کیفیت عکسی که ثبت شده را ندارد. به باور این عکاس، چالش اصلی امروز عکاسی این است که چگونه می‌توان در میان حجم عظیم تولید تصویر، همچنان به کیفیت، تفکر و نگاه شخصی وفادار ماند.

او ضمن تأیید آسیب‌هایی که فضای مجازی برای ارائه عکس دارد، بر مزایای آن از جمله هم در معرفی هنرمندان و آثارشان و هم در بحث اقتصاد هنر تأکید دارد و می‌گوید: «تصور می‌کنم آینده اقتصاد عکاسی نه در تقابل میان فضای مجازی و چاپ، بلکه در استفاده درست از هر دوی آن‌ها شکل خواهد گرفت.»

همراه قناعت کرده و محکوم به فراموشی در سبیل عکس‌ها و ویدئوهای دیگر شده‌اند. نمی‌شود از هزینه‌ها، مشکلات و محدودیت‌های چاپ عکس و برپایی نمایشگاه چشم پوشید، اما عادت به انتشار بی‌محدودیت، بی‌سانسور و بی‌هزینه در فضای مجازی و دریافت دویامین فوری بازخوردهای مثبت در قالب لایک و کامنت و بازنشر هم در کم‌رونق شدن نمایشگاه‌های عکس بی‌تأثیر نبوده‌است. البته شکی در این نیست که فضای مجازی نقشی بسیار سودمند در معرفی آثار و هنرمندان داشته و احتمالاً به فروش آثار هنری هم کمک کرده‌است، اما اگر یکی از دلایل کاهش انگیزه عکاسان برای برپایی نگارخانه‌ها و نمایشگاه‌ها بوده باشد، می‌توان به عنوان موضوعی برای بحث و آسیب‌شناسی به آن نگاه کرد.

پایین آمدن کیفیت ارائه عکس و اهمیت چاپ آن موضوعی است که در گفت‌وگو با مهدی رضوی که هم عکاس است و مدرس عکاسی و هم متخصص در چاپ عکس هنری، مطرح کرده‌ایم.

مهدی رضوی از شمار عکاسانی است که در دهه ۸۰ در مشهد تلاش داشتند نگاهی نود عکاسی داشته باشند و گرایشی جدی به فرم‌گرایی داشتند. او عضو انجمن ملی عکاسان

مجید خاکپورا با آمدن دوربین دیجیتال، نگرانی دلهره‌آور عکاسان عصر آنالوگ، یعنی تمام شدن فیلم، از میان رفت. افزایش ظرفیت کارت حافظه نیز زندگی را برای عکاسان ساده‌تر کرد. کمی فشار انگشت اشاره روی دکمه شاتر و نگه داشتن آن، پس از نورسنجی، قاب‌بندی و فوکوس، به ثبت چندین فریم در ثانیه منجر می‌شود. رؤیای عکاسان آنالوگ برآورده شد. این موهبت، عکاسان را در فشردن شاتر جسور و دست‌ودل‌باز بار آورد؛ چنان‌که اگر از منظر عکاسی سنتی به آن نگاه کنیم، بسیاری از آنان در شمار اسراف‌کاران بزرگ‌اند.

فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند، بارهزینه‌های نگارخانه‌داران، چاپ‌گران و قاب‌سازان را از دوش عکاسان و فشار ممیزی را از روانشان برداشت تا زندگی بیشتر به کامشان باشد. اکنون ما در عصر تولید و انتشار بی‌شمار عکس به سر می‌بریم؛ اما آن رؤیا، نفرینی نیز با خود داشت. آنچه در این عصر از کف می‌رود، فرصت تماشا، اندکی مکث و تأملی است که از مواجهه با عکس‌های خوب عایدمان می‌شد (و می‌شود). عکس‌هایی که لایق قابی شکل، نشستن بر دیوار و نورپردازی به دقت تنظیم شده‌یک نگارخانه هستند، به چند ثانیه دیده‌شدن در ابعاد حدود ۵ در ۳ سانتی‌متری گوشی‌های

گفت‌وگوی روز

و ارائه می‌شود، به اثری تبدیل می‌شود که می‌تواند وارد چرخه نمایش، مجموعه‌داری و خرید و فروش شود. در بازار هنر، خریدار صرفاً یک تصویر را خریداری نمی‌کند؛ بلکه یک اثر مشخص با ابعاد، مترايل، کیفیت چاپ، تعداد نسخه محدود و هویت معین را خریداری می‌کند. به همین دلیل مفاهیمی مانند ادیشن، گواهی اصالت و چاپ استاندارد اهمیت پیدا می‌کنند. این‌ها عواملی هستند که به خریدار اطمینان می‌دهند با یک اثر هنری مواجه است، نه صرفاً یک فایل که بتوان آن را بی‌نهایت بار تکثیر کرد. در تجربه شخصی خود بارها دیده‌ام که هر زمان عکاسان به ارائه اثر توجه بیشتری داشته‌اند، امکان فروش و ارتباط با مخاطبان جدی هنر نیز بیشتر شده‌است. در مقابل، هرچه ارائه اثر ضعیف‌تر باشد، شانس ورود آن به بازار حرفه‌ای هنر نیز کمتر می‌شود. به همین دلیل چاپ را نباید صرفاً یک مرحله فنی در پایان کار دانست، چاپ بخشی از فرایند ارزش‌گذاری اثر است. البته اقتصاد عکاسی در ایران هنوز با چالش‌هایی روبه‌رو است و بازار خرید و فروش عکس با آنچه در بسیاری از کشورهای دیگر می‌بینیم فاصله دارد. بااین‌حال طی سال‌های اخیر توجه به چاپ‌های فاین‌آرت، ادیشن‌های محدود و نگهداری حرفه‌ای آثار بیشتر شده و این اتفاق می‌تواند به شکل‌گیری تدریجی بازار جدی‌تر برای عکاسی کمک کند. فضای مجازی نیز در این میان نقش مهمی دارد، اما نقشش بیشتر در معرفی و دیده‌شدن آثار است. بسیاری از مخاطبان نخستین باریک‌ان‌تر در شبکه‌های اجتماعی می‌بینند، اما زمانی که قرار است اثری وارد یک مجموعه‌شود یا خریداری شود، کیفیت چاپ، شیوه ارائه و اصالت اثر همچنان اهمیت تعیین‌کننده دارند. به همین دلیل تصور می‌کنم آینده اقتصاد عکاسی نه در تقابل میان فضای مجازی و چاپ، بلکه در استفاده درست از هر دوی آن‌ها شکل خواهد گرفت.

● وضعیت فنی و تکنولوژیکی و تخصصی چاپ عکس در مشهد را چطور می‌بینید؟ مثلاً در مقایسه با پایتخت یا خارج از کشور.

اگر از چاپ عکس به معنای عمومی آن صحبت کنیم، امکانات چاپ در مشهد خوب و پذیرفتنی است. اما در حوزه چاپ فاین‌آرت، امروز می‌توان گفت ما چیزی کم از پایتخت نداریم و به روزترین تجهیزات و فرایندها در اینجا به‌کار گرفته می‌شود. حتی بسیاری از پروژه‌های مهم هنری که در تهران تعریف و پیگیری می‌شوند، برای تولید و چاپ به اینجا می‌آیند. البته به‌طور کلی، با وجود اقبال به چاپ فاین‌آرت، به دلیل شرایط اقتصادی استفاده از آن محدود است و طبیعتاً در شهرهای کوچک‌تر و جاهایی که اقتصاد هنر رونق نداشته باشد، این استفاده محدودتر هم می‌شود. در تهران به دلیل تمرکز بیشتر نگارخانه‌ها، مجموعه‌داران، موزه‌ها و رویدادهای هنری، طبیعتاً تقاضا برای چاپ حرفه‌ای نیز بیشتر است. این تقاضا باعث شده زیرساخت‌ها و خدمات تخصصی‌تر توسعه پیدا کنند. در مشهد هم این بازار در سال‌های اخیر رشد خوبی داشته و امروز عکاسان و هنرمندان مشهدی و حتی مرکز نشین می‌توانند آثار نمایشگاهی و فاین‌آرت خود را با استانداردهای موزه‌ای به‌ثمر برسانند. در مقایسه با کشورهای پیشرو، تفاوت اصلی فقط در تجهیزات نیست. مهم‌تر از تجهیزات، وجود یک فرهنگ حرفه‌ای درباره ارائه اثر است. در بسیاری از کشورها، چاپ بخشی از فرایند تولید اثر محسوب می‌شود و هنرمند از ابتدا برای آن برنامه‌ریزی می‌کند. در حالی که در ایران هنوز در بسیاری از موارد چاپ به عنوان مرحله‌ای جانبی و صرفاً اجزایی دیده می‌شود.

روی یک عکس صرف‌کند. در فضای نمایشگاهی ممکن است بیننده چند دقیقه مقابل یک اثر بایستد، اما در شبکه‌های اجتماعی گاهی تنها چند ثانیه فرصت دیده شدن وجود دارد. به همین دلیل فکر می‌کنم فضای مجازی جایگزین نمایشگاه نیست؛ بلکه رسانه‌ای متفاوت با کارکردی متفاوت است. هر دو می‌توانند در کنار یکدیگر وجود داشته باشند و هر کدام بخشی از ارتباط میان اثر و مخاطب را شکل دهند.

● چاپ چقدر می‌تواند در دیده‌شدن وجوه هنری و ظرایف یک عکس تأثیر داشته باشد؟

به اعتقاد من تأثیر چاپ بسیار فراتر از آن چیزی است که معمولاً تصور می‌شود. چاپ فقط انتقال یک فایل روی کاغذ نیست؛ بلکه ترجمه تصویر از یک رسانه دیجیتال به یک شیء فیزیکی است. بسیاری از ظرافت‌های تونال، کیفیت سایه‌ها، جزئیات روشنایی‌ها، عمق تصویر و حتی حس کلی یک عکس در کیفیت چاپ آشکار می‌شود. تفاوت میان یک چاپ استاندارد و یک چاپ حرفه‌ای، گاهی تفاوت میان دیدن یک تصویر و مواجهه با یک اثر هنری است. علاوه بر این، انتخاب نوع کاغذ نیز اهمیت زیادی دارد. هر کاغذ ویژگی‌های بصری خاص خود را دارد و می‌تواند بر نحوه دریافت مخاطب از اثر تأثیر بگذارد. به همین دلیل در چاپ فاین‌آرت، انتخاب کاغذ بخشی از فرایند ارائه اثر محسوب می‌شود. نه صرفاً یک انتخاب فنی. به همین علت است که بسیاری از عکاسان بزرگ جهان شخصاً بر فرایند چاپ آثار خود نظارت می‌کنند و آن را ادامه طبیعی فرایند عکاسی می‌دانند.

● وقتی نمایشگاهی برپا می‌شود، امکان فروش عکس‌ها نیز فراهم می‌شود؛ یعنی مجموعه شرایط برای فروش عکس مهیاست. از این منظر، چاپ عکس، به عنوان گامی در مسیری که در نهایت به فروش اثر منجر می‌شود، چه نقشی دارد؟

به نظر من چاپ، یکی از مهم‌ترین حلقه‌های اتصال عکاسی به اقتصاد هنر است. تا زمانی که یک عکس فقط به صورت فایل دیجیتال وجود داشته باشد، بیشتر یک تصویر است تا یک اثر هنری قابل عرضه. اما وقتی همان عکس با استانداردهای حرفه‌ای چاپ، ادیشن‌بندی

به شکل جدی‌تر وارد حوزه چاپ فاین‌آرت شوم، برای من چاپ صرفاً یک فرایند فنی نیست؛ بخشی از فرایند خلق اثر است. همان‌طور که یک عکاس برای انتخاب لنز، نور یا ترکیب‌بندی تصمیم می‌گیرد، در مرحله چاپ نیز انتخاب کاغذ، ابعاد، توانالیت و شیوه ارائه می‌تواند در معنای نهایی اثر نقش داشته باشد. به مرور این علاقه به یک فعالیت حرفه‌ای تبدیل شد و تلاش کردم فضایی فراهم شود که عکاسان بتوانند آثار خود را با کیفیتی نزدیک به استانداردهای حرفه‌ای و موزه‌ای روز دنیا، ارائه کنند.

● اینجا به همان پرسش نخست و شیوه ارائه بازمی‌گردیم. گوشی‌های هوشمند، فضای مجازی و پلتفرمی مانند اینستاگرام، همان قدر که بر بسیاری از جنبه‌های زندگی تأثیر گذاشته‌اند، عکاسی را نیز دگرگون کرده‌اند؛ تا آنجا که این دگرگونی در برخی حوزه‌ها به مرز انقلاب و حتی منسوخ‌شدن بعضی شیوه‌ها، روش‌ها و کسب‌وکارها رسیده‌است. اکنون حتی بسیاری از عکاسان بزرگ نیز آثارشان را در این فضا منتشر می‌کنند. این عکسی که شایسته‌است در ابعدای بزرگ، مکانی مناسب، زیرنوری دقیق و در قابی درخوردیده‌شود، روی صفحه گوشی و در ابعدای پنج سانتی‌متری به نمایش درمی‌آید. این تغییر بی‌تردید مزایایی دارد، اما چه چیزهایی از هنرمند و مخاطب می‌گیرد؟

فضای مجازی بدون تردید فرصت‌های بزرگی ایجاد کرده‌است. امروز یک عکاس می‌تواند بدون واسطه آثار خود را در معرض دید هزاران یا حتی میلیون‌ها نفر قرار دهد؛ اتفاقی که در گذشته تقریباً غیرممکن بود. بسیاری از پروژه‌های ارزشمند از همین طریق دیده‌شده‌اند و ارتباط میان هنرمندان و مخاطبان بسیار گسترده‌تر شده‌است. اما در کنار این مزایا، محدودیت‌هایی هم وجود دارد. عکس هنری فقط مجموعه‌ای از اطلاعات تصویری نیست. ابعاد، کیفیت چاپ، جنس کاغذ، فاصله مخاطب با اثر، نور محیط و نحوه ارائه همگی بخشی از تجربه دیدن عکس هستند. وقتی یک اثر که قرار است در ابعاد بزرگ دیده‌شود، روی صفحه کوچک تلفن همراه نمایش داده می‌شود، بخشی از این تجربه از بین می‌رود. از طرف دیگر، سرعت بالای مصرف تصاویر در شبکه‌های اجتماعی باعث شده مخاطب زمان کمتری برای تأمل

همان گفت‌وگوها و تجربه‌ها بر نسل بعدی عکاسان تأثیر گذاشت. امروز شرایط متفاوت شده‌است. از یک طرف امکانات تولید و انتشار عکس بسیار بیشتر شده و تعداد عکاسان به شکل چشمگیری افزایش یافته‌است. از طرف دیگر، بخشی از آن گفت‌وگوهای عمیق و جلسات حضوری کمتر گونگ شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی امکان دیده‌شدن را بیشتر کرده‌اند، اما الزاماً جایگزین مناسبی برای نقد، بحث و یادگیری جمعی نیستند. بااین‌حال من نگاه کاملاً بدبینانه‌ای ندارم. امروز هم عکاسان توانمند و پروژه‌های ارزشمندی در مشهد وجود دارند. شاید فقط شکل فعالیت‌ها و نحوه ارتباط افراد با یکدیگر تغییر کرده باشد. چالش اصلی امروز این است که چگونه می‌توان در میان حجم عظیم تولید تصویر، همچنان به کیفیت، تفکر و نگاه شخصی وفادار ماند.

● بحث چاپ و نمایش فیزیکی اثر یکی از راه‌هایی است که می‌تواند در این به قول شما حجم عظیم تولید، توجه مخاطب را هدایت کند. از سمت هنرمند یا ادیتور او گزینشی انجام می‌شود که همین گزینش یعنی اعمال یک محدودیت هدفمند و کنار زدن آثار پرشمار دیگر به نفع اثر یا آثاری که بناست دیده شوند. گویا این بحث چاپ و شیوه ارائه برای شما جذاب یا مهم بوده که از عکاسی به آن سمت رفتید. چه دغدغه‌ای سبب شد که به صورت حرفه‌ای وارد فضای چاپ عکس بشوید؟ چه کمبود یا نیازی در این عرصه می‌دیدید؟

بله، ورود من به حوزه چاپ از دل خود عکاسی اتفاق افتاد؛ سال‌ها پیش یکی از مشکلاتی که احساس می‌کردم این بود که بسیاری از عکس‌ها در مرحله چاپ کیفیتی را که عکاس برای آن زحمت کشیده بود از دست می‌دادند. گاهی اختلاف میان تصویری که روی مانیتور دیده می‌شد و نتیجه چاپ شده بسیار زیاد بود. در نمایشگاه‌های بین‌المللی از کیفیت آثار چاپی مارضایت‌نداشتند و آن‌ها را فاقد استانداردهای لازم برای نمایش می‌دانستند. از طرفی امکانات تخصصی چاپ فاین‌آرت [چاپ عکس هنری] نیز محدود بود یا اصلاً وجود نداشت. ضمن اینکه من پیش از ورود به چاپ فاین‌آرت، در حوزه نظارت فنی چاپ افسست فعالیت می‌کردم و با این فضا بیگانه نبودم؛ همین تجربه‌ها و دغدغه‌ها باعث شد نگاه دقیق‌تری به فرایند چاپ و اهمیت کیفیت خروجی داشته باشم و

● نحوه ارائه اثر خودش یکی از مؤلفه‌های مهم و مورد بحث در هنر است، الان دوربین‌ها و فناوری آن‌ها در بالاترین حد خود تا به امروز قرار دارند، اما شاید بشود گفت کیفیت ارائه عکس درست در نقطه مقابل و در حد بسیار پایینی قرار دارد. (دست‌کم در ایران) و آن قدری که من مطمئنم، برای شروع بفرمایید آیا اساساً با این موضوع موافقت؟ وضعیت ارائه عکس هنری را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من تا حد زیادی با این گزاره موافقم. واقعیت این است که کیفیت ثبت تصویر در چند دهه اخیر پیشرفت شگفت‌انگیزی داشته‌است. امروز حتی یک تلفن همراه می‌تواند تصویری تولید کند که از نظر وضوح و کیفیت فنی، سال‌ها پیش تنها با تجهیزات حرفه‌ای ممکن بود. اما در مقابل، به نظر می‌رسد توجه به ارائه عکس به عنوان یک اثر هنری کمتر شده‌است. در بسیاری از موارد، عکاسان زمان و هزینه زیادی برای تولید عکس صرف می‌کنند، اما مرحله ارائه را که در واقع آخرین حلقه شکل‌گیری اثر است، جدی نمی‌گیرند. در حالی که کیفیت چاپ، انتخاب کاغذ، ابعاد اثر، نوع قاب، نورپردازی و حتی نحوه نصب عکس می‌تواند بر درک مخاطب از اثر تأثیر مستقیم داشته باشد. به نظر من یکی از دلایل این وضعیت، گسترش نمایش تصاویر در فضای مجازی است. بخش بزرگی از عکس‌ها دیگر قرار نیست به شکل فیزیکی دیده شوند و همین موضوع باعث شده فرهنگ ارائه حرفه‌ای عکس تا حدی کمرنگ شود. در حالی که در بسیاری از کشورهای دارای بازار فعال هنر، هنوز چاپ و ارائه فیزیکی اثر بخش مهمی از فرایند تولید هنری محسوب می‌شود. البته در سال‌های اخیر نشانه‌هایی از توجه دوباره به این موضوع دیده می‌شود، به ویژه در میان عکاسانی که به دنبال حضور در نمایشگاه‌ها، فروش آثار یا فعالیت حرفه‌ای در حوزه هنر هستند. اما همچنان فکر می‌کنم میان کیفیت تولید عکس و کیفیت ارائه آن فاصله قابل توجهی وجود دارد.

● اجازه بدهید گذشته برگردیم، شما در دهه ۸۰ به همراه چند عکاس دیگر سعی کردید جریانی در عکاسی مشهد ایجاد کنید و تأثیراتی در بحث نگاه فرم‌گرایانه هم داشتید. رویدادهای جمع و جلسه‌ها و برنامه‌های عکاسانه‌ای هم برگزار می‌شد که همه این‌ها به اضافه هم‌زمان شدن حرکت از سمت عکاسی آنالوگ به عکاسی دیجیتال رونقی در فضای عکاسی مشهد به وجود آورده بود. اما آن شور فروکش کرد. کمی درباره آن دوران و فضا، تأثیراتش، اهداف یا ایده‌آل‌هایی که شما و آن جمع داشتید بگویید و از وضعیتی که امروز عکاسی در مشهد دارد.

ابتدا عرض کنم گرچه من در آن برهه فعالیت و تلاش زیادی داشتم، اما بی‌آنکه بخواهم فروتنی کنم، مطمئن نیستم که توانسته باشم تأثیرگذار هم باشم؛ هرچند اگر از دید دیگران چنین بوده، بر خودم می‌بالم.

دهه ۸۰ برای عکاسی مشهد دوره‌ای پرتحرک و امیدوارکننده بود. در آن سال‌ها جمع‌های عکاسی، نشست‌ها، کارگاه‌ها، جشنواره‌ها و گفت‌وگوهای مستمر میان عکاسان شکل گرفته بود و نوعی اشتیاق جدی برای تجربه‌کردن و آموختن وجود داشت که تا اوایل دهه ۹۰ هم به وضوح باقی بود. هم‌زمان با گسترش عکاسی دیجیتال، امکانات تازه‌ای در اختیار عکاسان قرار گرفت و بسیاری از محدودیت‌های فنی گذشته از میان رفت. در آن فضا، نگاه‌های مختلفی در عکاسی مطرح می‌شد، از جمله توجه بیشتر به فرم، ساختار تصویر و جنبه‌های زیباشناختی عکس. مهم‌تر از همه این بود که گفت‌وگو جریان داشت و افراد نسبت به کار یکدیگر واکنش نشان می‌دادند. فکر می‌کنم مهم‌ترین دستاورد آن دوره، شکل‌گیری یک فضای فکری بود. حتی اگر بسیاری از ایده‌آل‌ها به‌طور کامل محقق نشد،

